



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)﴾

علت ذکر صیغه مذکر در قضیه قذف و افک

برخی از نکاتی که مربوط به بحثهای سابق بود این است که در جریان افک آنچه معیار بحث بود مقذوفه و مرمیه بالقذف چون مؤنث بود در آیه ۲۳ و مانند آن تعبیر مؤنث آورد که ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ﴾ لكن در آیه ۲۶ به صورت جمع نهایی هم خبیثات و خبیثون را ذکر فرمود هم طیبات و طیبون را که حرفهای خبیث برای مردان خبیث است و افراد خبیث با حرفهای خبیث سر و کار دارند چه اینکه حرفهای طیب برای مردان طیب است و مردان طیب با کلمات طیبه سر و کار دارند. تعبیر «خبیثین» و «خبیثون» برای تغلیب است که زنها را هم شامل می شود تعبیر «طیبین» و «طیبون» این هم تغلیب است مردها را هم شامل می شود سرّ مذکر آوردن این «طیبین» برای آن است که در جریان افک تنها آن زن، مقذوفه نبود صفوان هم مقذوف بود لذا در قذف گذشته از اینکه زن

مطرح است مرد هم مقذوف می شود به فساد تغلیباً جنبه مذکر رعایت شد فرمود: ﴿أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ﴾ نه اینکه «اللّٰوَاتِي مَبْرَّات» سرّ اینکه مذکر آورد این است که در جریان افك و قذف صفوان هم مقذوف بود تغلیباً لجانب الذکورة على الأنوثة، مذکر ذکر فرمود.

دو حکم فقهی مردان در پوشش چشم و اندام

اما مسائلی که مربوط به آیات تلاوت شده است دو حکم فقهی در آیه سی برای مردها بیان کرده است فرمود اینها هم باید چشمشان را نگه دارند و چشم پوشی کنند و هم اندام تناسلی خودشان را مستور کنند این دو حکم؛ وظیفه مردهاست ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ و حذف متعلق هم دلیل بر عموم است اینها به طور عام یا مطلق موظف اند نگاه نکنند «الّا ما خرج بالدلیل»؛ ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ اینها باید چشمشان را بپوشانند؛ اینکه مُهْمَل نیست مُجْمَل نیست حذف متعلق «یدلّ علی العموم». اگر فقهی خواست بگوید نظر به وجه و کفّین جایز است او باید دلیل بیاورد که با تخصیص یا تقیید از این عموم یا اطلاق خارج شده است که دلیلی ندارد پس ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ اصل این است که این چشم پوشی کند «الّا ما خرج بالدلیل».

استثنا دو گروه از حرمت نگاه به نامحرم

حکم فقهی دیگر پوشیدن اندام تناسلی است؛ در نماز و غیر نماز حکم مرد یکی است در همه حالات باید اعضای تناسلی را بپوشاند ﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ بیش از این محتاج به دلیل دیگر است این دو حکم فقهی برای مرد. مستحضرید که تمام احکامی که برای مسلمان هست غیر مسلمان هم در احکام شریک اند تنها در اصول دین نیستند حق این است که در فروع دین هم شریک اند لکن بعضی از احکام مخصوص حوزه اسلامی است وظیفه بین المللی نیست. در جریان نگاه کردن نگاه به مو و بدن زن مسلمان جایز نیست ولو با رِیبه همراه نباشد به قصد تلذّذ هم

نباشد نگاه به بدن و موی زن مسلمان جایز نیست برای اینکه او از حرمت خاص برخوردار است. دو گروه مستثنا هستند: يك گروه زن غیر مسلمان؛ نگاه به مو و بدن زن غیر مسلمان اگر با لذّت و رِیبه همراه نباشد جایز است برای اینکه او محترم نیست حرمت ندارد. از اینجا معلوم می‌شود که نگاه به زن که جایز نیست برای آن است که او يك ذخیره اجتماعی است مثل خانه مردم است، خانه مردم فرش که نامحرم نیست پرده که نامحرم ولی آبروی اشخاص ایجاد می‌کند که انسان خانه آنها را نگاه نکند چرا نگاه به خانه مردم حرام است خب پرده نامحرم است فرش نامحرم است یخچال و تلویزیون نامحرم است یا حرمت مؤمن ایجاد می‌کند که آدم خانه‌اش را نگاه نکند این چنین نیست که تَطَّلَع خانه مؤمن حرام است برای اینکه آنجا نامحرم هست. نه حالا عده‌ای نشستند فقط مردند ما یقین داریم در این خانه همسایه غیر از مرد کس دیگری نیست اینها نشستند جلسه دارند نگاه به اتاق آنها از راه پنجره حلال است یا حرام خب حرام است دیگر این حرمت برای نامحرمی نیست برای حرمت و احترام خانه مؤمن است. زن مسلمان حرمتی دارد نمی‌شود مویش را نگاه کرد بدنش را نگاه کرد زن غیر مسلمان این حرمت را ندارد پس نباید گفت حالا اگر کسی قصد لذّت ندارد یا قصد رِیبه ندارد می‌تواند به زن نامحرم نگاه کند زنانی که اهل بادیه هستند که «اِذَا تُهِنُّ لَآ يَنْتَهِن»^۲ نهی از منکر می‌شوند ولی ترتیب اثر نمی‌دهند با همان موی باز با همان دست برهنه در جامعه ظهور دارند هر چه هم بگویی اثر نمی‌کند این گروه هم نگاه به موی اینها نگاه به بدن اینها بدون لذّت و با نجات از خطر رِیبه حرام نیست.

فلسفه حرمت نگاه به زنان نامحرم

خب بنابراین نگاه معلوم می‌شود که يك قسمت حرمتش برای آن است که «سَهْمٌ مِّنْ سَهَامِ ابْلِيسَ» انسان در معرض خطر گناه قرار می‌گیرد يك مقدار برای اینکه حیثیت او و آبروی او و امنیت اجتماعی او آسیب می‌بیند همان

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۰.

طوری که نگاه به اتاق دیگران حرام است؛ چرا نگاه به خانه مردم حرام است برای اینکه ما به امنیت اینها داریم آسیب می‌رسانیم با اینکه اینجا غیر از مرد کس دیگری نیست یا نه اصلاً کسی نیست فقط پرده و در و دیوار و یخچال است این چرا نگاه حرام است [در حالی که] این نگاه برای لذت یا ریه نیست این حرمت نگاه برای آن است که امنیت مردم محفوظ باشد.

تنها سخن از نگاه نامحرمانه و تَلَذُّذ جنسی نیست بنابراین اگر کسی بخواهد موی زن مسلمان بدن زن مسلمان را نگاه کند به حیثیت او آسیب رسانده از این جهت حرام است ولو با لذت همراه نیست و این حرمت در زنهای غیر مسلمان نیست (يك) در زنانی که اهل بادیه‌اند «اِذَا نُهِينَ لَا يَنْتَهِين»^۳ نیست (دو) اگر آدم نگاه کرد که همراه با لذت نبود خطر ریه نبود جایز است (سه).

پرسش:...

پاسخ: خب اگر افراد طوری‌اند که مصداق «اِذَا نُهِينَ لَا يَنْتَهِين» شدند عمداً حرمت خودشان را از دست دادند آن‌گاه است که اگر با لذت همراه نباشد (يك) اگر خطر «سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»^۴ او را همراهی نکند (دو) مثل اینکه آدم دیوار را نگاه می‌کند (سه) بله این نگاه عیب ندارد اما آدم بداند که مثل اینکه دیوار را نگاه می‌کند.

نقد دلیل محقق خویی در حکم نگاه به وجه و کفین زن

درباره مردها این دو حکم مشخص شده پس نمی‌شود گفت مرد می‌تواند وجه و کفین را نگاه کند این دلیل می‌خواهد. نمی‌شود به تعبیر مرحوم آقای خویی که فرمودند اصل، برائت است^۵ به برائت تَمَسُّك کرد این دلیل می‌خواهد برای اینکه حذف متعلق «يَدُلُّ عَلَى الْعُموم» این آیه که مُهْمَل نیست مُجْمَل نیست فرمود مردها چشمشان

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۰.

۴. الكافي، ج ۵، ص ۵۵۹؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸.

۵. موسوعة الامام الخوئي، ج ۳۲، ص ۴۶.

را بیوشانند خب معلوم است که منظور در و دیوار که نیست یعنی مردها چشمشان را از زنها بیوشانند اگر بخواهد کسی فتوا بدهد که مرد می‌تواند وجه و کفین زن را نگاه کند او باید دلیل بیاورد نه اینکه اصل، براءت است این آیه منع می‌کند دیگر، معلوم است که منظور این نیست که آسمان و زمین را نگاه نکند در و دیوار را نگاه نکند این معلوم است دیگر. آنچه از این آیه برمی‌آید این است که به زن نگاه نکند این مطلق است حذف متعلق هم «یدلّ علی العموم» اگر کسی خواست فتوا بدهد که نگاه به وجه و کفین جایز است او باید دلیل بیاورد نه اینکه اصل، براءت است ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ بالقول المطلق؛ اینها نسبت به جنس مخالف باید چشم‌پوشی کنند آن وقت ﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ اندام تناسلی خودشان را هم باید حفظ بکنند بیش از این بر اینها واجب نیست اما بیش از این بر اینها واجب نیست معنایش این نیست که زنها هم می‌توانند بدن مرد را نگاه کنند.

حرمت نگاه زن به مرد نامحرم الا با دلیل

می‌بینید در خیلی از موارد در آن مراسم عزاداری که لخت می‌شدند سینه می‌زدند خیلی از فقها احتیاط می‌کردند یا فتوا می‌دادند یا می‌گفتند اقواست که بالأخره زنها حضور نداشته باشند و نگاه نکنند و اگر در جایی زنها حضور دارند اینها لخت نشوند سینه بزنند، این را گفتند دیگر. خب زنها هم ﴿يَغُضُّنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ بالقول المطلق؛ زن اگر بخواهد عضوی از اعضای مرد را نگاه کند او دلیل می‌خواهد چون معلوم است که منظور آیه این نیست که زن آسمان و زمین را نگاه نکند منظور این است که زن نامحرم را نگاه نکند. خب اگر حذف متعلق «یدلّ علی العموم» اگر ما خواستیم فتوا بدهیم که زن می‌تواند بدن مرد را نگاه کند دلیل می‌طلبید پس زن هم باید مواظب چشم و گوشش باشد مرد هم باید مواظب چشم و گوشش باشد تا جامعه بشود طیب و طاهر.

نگاه به نامحرم سهمی از سهام ابلیس

این نگاه همان طوری که زمخشری نقل کرد پیام آور آن گناه است^۶ ائمه (علیهم السلام) که فرمودند: «النظرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»^۷ تیر است دیگر، خب تیراندازی که همه‌اش لازم نیست برسد که در این تیراندازیها مگر همه‌اش به هدف می‌خورد گاهی می‌خورد گاهی نمی‌خورد ولی آدم باید در معرض تیر نباشد دیگر، خب شاید خورد مگر همه تیرها به هدف می‌خورد خیلی از تیرهاست اشتباه می‌شود تیراندازی شیطان هم بشرح ایضاً خب آن وقتی که خورد چه باید کرد؟ انسان در معرض تیر قرار نگیرد «النظرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ». در همین روایات دارد که شما پشت سر شیر می‌توانی راه بروی ولی دنبال زن راه نرو^۸ زن دارد جلو می‌رود شما راحت را عوض بکن با اینکه پوشیده است این جاذبه‌ای که ذات اقدس الهی خلق کرده است این خطرآفرین است این را باید بجا مصرف کرد «النظرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»^۹ که يك روایت، به دنبال شیر می‌توانی حرکت کنی ولی اگر زنی جلو رفته تو راحت را عوض بکن (دو) اینها برای پرهیز است دیگر.

بیان محدوده ستر نفسی و ستر عن الغیر

مسئله بعدی آن است که دو ستر در اسلام مطرح است يك ستر نفسی است يك ستر عن الغیر است. ستر نفسی همان است که در مسئله صلات مطرح است بر زن واجب است در موقع نماز خودش را بپوشاند چه کسی او را ببیند چه کسی او را نبیند یا بر مرد پوشاندن اندام تناسلی در نماز واجب است چه کسی او را ببیند چه کسی او را نبیند اما در غیر نماز که مثلاً می‌رود حمام و غیر حمام که وجوب نفسی ندارد این وجوب نفسی ستر بما أنَّه ستر این مخصوص

۶. الکشاف، ج ۳، ص ۲۳۰.

۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸.

۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۵.

۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸.

حال صلات است اما نسبت به غیر که اگر غیر هست و نگاه می‌کند بله باید اندام تناسلی خودش را حفظ بکند این برای مرد است زن هم باید اندام تناسلی خودش را حفظ بکند بالقول المطلق این هم برای زن.

مقدار وجوب و عدم وجوب پوشش نسبت به نامحرم

اما می‌ماند دو حکم دیگر که مربوط به زن است که آن را دارد ذکر می‌کند فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ این ناظر به سِتْرِ نفسی است؛ بر زن چقدر واجب است که بپوشاند نه اینکه نشان بدهد چقدر می‌تواند نپوشاند.

دو مطلب است یکی اینکه چقدر می‌تواند نشان بدهد که با «لام» ذکر شده آن سرّ تکرار ﴿لَا يُبْدِينَ﴾ برای آن است که اِبداء گاهی به معنای نپوشاندن است گاهی به معنای نشان دادن است آن اولی فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ اِبداء نکند یعنی واجب است بپوشاند مگر آن مقداری که ظاهر است وجه و کفّین که به طور عادی است، این به معنی نشان دادن نیست «اَبْدَى» یعنی «أَظْهَرَ» یعنی «لَمْ يَسْتُرْ» بر زن پوشاندن واجب است مگر آن مقداری که ظاهر است که وجه و کفّین است اما حالا به چه کسی می‌تواند نشان بدهد این را مشخص کرد دو مسئله و دو مقام کاملاً از هم جداست تکرارش طبق بیان مرحوم شیخ طوسی که فرمود برای تأکید است^{۱۰} نمی‌باشد تأکید نیست این تأسیس است این دو مطلب کاملاً از هم جداست. سؤال اول [و] مسئله اولی: بر زن چقدر واجب است بپوشاندن و نپوشاندن حرام است؟ فرمود: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ یعنی «يَجِبُ عَلَيْهِنَّ سِتْرُ جَمِيعِ الْأَعْضَاءِ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». مسئله ثانیه: زن چقدر می‌تواند بدن خود را نشان بدهد اینجا دیگر فقط همین چند گروه‌اند اینجا دیگر به استثنای اندام تناسلی نسبت به اشخاصی که جزء محارم‌اند می‌تواند خود را نشان بدهد.

۱۰. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۲۹.

پس فهاهنا امران: یکی اینکه زن چقدر را باید بیوشاند همه را باید بیوشاند ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾. مسئله ثانیه به

چه کسانی می‌تواند نشان بدهد به اشخاص معین لذا يك جا با «لام» ذکر شده يك جا بی «لام» ذکر شده.

مراحل چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر

پرسش:...

پاسخ: بله امر به معروف است دیگر منتها امر به معروف مستحضرید که چهار مرحله دارد امر به معروف و نهی

از منکر چهار مرحله دارد يك مرحله اش آن انزجار قلبی است که بر همه ما واجب است قلباً از بی‌حجابی منزجر

باشیم و آثار این انزجار هم در برخورد ما مشخص باشد. مرحله دوم امر کردن است نه نصیحت کردن و سخنرانی

کردن و موعظه کردن، موعظه و نصیحت، امر به معروف نیست اگر کسی نمی‌داند از باب تعلیم جاهل واجب است که

بگوییم چقدر را باید بیوشانی چقدر واجب نیست و اینها، تعلیم جاهل کاری به امر به معروف ندارد. يك وقت است

کسی غافل است تنبیه غافل مربوط به امر به معروف نیست. سوم کسی یادش رفته تذکره ناسی و ساهی کاری به

امر به معروف ندارد. چهارم کسی است عالماً عامداً مسئله را می‌داند متذکر هم است غفلت نیست و حجاب را

رعایت نمی‌کند اینجا جای امر است امر غیر از موعظه است غیر از تذکره است غیر از تنبیه است تنبیه غافل است

غیر از تعلیم است.

وظایف مردم و حکومت در مراحل چهارگانه

این امر، ولایتی است که ذات اقدس الهی برای مؤمنین به عنوان ولایت متقابل قرار داده که ﴿الْمُؤْمِنُونَ

وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^{۱۱} اگر کسی امر کرد و آن شخص به این امر

مؤثر نشد دو گناه، دو گناه یعنی دو معصیت کرده یکی اینکه حجاب را رعایت نکرده یکی اینکه امر این مولا را

۱۱. سوره توبه، آیه ۷۱.

اطاعت نکرده این يك ولايت متقابلی است چه کار دارد امر به معروف به موعظه و نصیحت و تنبیه و تذکره؟! این فرمان است اگر کسی عالماً عامداً دارد معصیت می‌کند اینجا جای فرمان است و اگر این فرمان مولای خود را اطاعت نکرد دو گناه کرد یکی اینکه آیه حجاب را عمل نکرد یکی اینکه آیه امر به معروف را عمل نکرد این يك ولايت متقابلی است که ﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ نه «بعضهم مبلّغون بعضهم معلّمون، بعضهم مرشدون، بعضهم ناصحون، بعضهم واعظون» آنها بحثش جداست امر به معروف چیز دیگر است آنها چیز دیگرند این دو مرحله بر همه ما واجب است.

می‌ماند مرحله سوم و چهارم آن جلوگیری و برخورد و حتی زدن این يك مرحله است که برای حکومت است بخش دیگر که مرحله اعدام است و قتل است که آن هم برای حکومت است. تنبیهی که حکومت درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌کند این است که حالا کسی قصد انفجار دارد حرف را گوش هم نمی‌دهد خب پلیس که نمی‌شود اینجا نصیحت بکند یا او را بازداشت بکند می‌بیند این الآن حالت انتحاری و انفجاری دارد الآن می‌رود عده‌ای را از پا در می‌آورد خب همان‌جا باید این را بکشد دیگر این امر به معروف که مرحله چهارم است جلوی خلاف را گرفتن است این را می‌کشد تا فساد واقع نشود این کاری به دستگاه قضایی ندارد.

فرق جوهری مرحله سوم و چهارم با حدود و تعزیرات

فرق جوهری مرحله سوم و چهارم امر به معروف با مسئله حدود و تعزیرات این است که قاضی می‌زند یا حکم اعدام می‌دهد که چرا کردی اما [در مرحله سوم و چهارم] امر به معروف و نهی از منکر می‌زنند که نکن! بنابراین مرحله سوم یا مرحله چهارم در اختیار حکومت اسلامی است تا جلوی فساد گرفته بشود و این هیچ احتیاجی به دستگاه قضایی ندارد امر به معروف و نهی از منکر چیز دیگر است. دستگاه قضایی برای جرم واقع شده است اگر کاری معلوم شد که جرم است (يك) این جرم به این شخص استناد پیدا کرد (دو) استنادش هم به نحو عمد بود نه به

نحو خطا (سه) دستگاه قضایی شروع می‌کند به حد (چهار) که چرا کردی؟! پس آن زدن یا کشتن دستگاه قضایی مربوط به بعد از ارتکاب جرم است آن زدن یا کشتن مأموران انتظامی قبل از جرم است که جلوی جرم را بگیرد حالا اگر کسی معلوم شد که این درصدد شهید کردن استاد شهریاریهاست خب پلیس وقتی یقین پیدا کرد این درصدد آن است نه تنها جایز است بر او واجب است که تیراندازی کند این ولایت است این مولاست این مولا دارد بنده خودش را هدایت می‌کند ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾^{۱۲} این چه کار دارد به آیه سوره «احزاب» که ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ﴾^{۱۳} یا آیات دیگر مثل ﴿يُعَلِّمُهُمُ﴾^{۱۴}! امر به معروف چیز دیگر است.

ملازم نبودن عدم وجوب ستر با جواز نظر دیگران

مطلب دیگر اینکه اگر وجه و کفین که جزء ﴿مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ است پوشاندن، واجب نبود معنایش این نیست که نگاه نامحرم هم واجب است کما تقدّم مراراً؛ هیچ تلازمی بین عدم وجوب ستر از يك طرف و جواز نظر از طرف دیگر نیست گذشته از اینکه جواز نظر بالقول المطلق در آیه قبل ممنوع شده ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ و گذشته از اینکه خیلی از موارد است که بزرگانی از فقها (رضوان الله علیهم) فتوا دادند که پوشاندن بدن بر مرد واجب نیست حالا یا مشغول کارگری است یا نانواست یا کار یدی دارد یا بتّاست این با يك زیرپیرهن دارد بتّایی می‌کند دستش لخت است سینه‌اش لخت است بر این مرد پوشاندن واجب نیست اما معنایش این نیست که زن می‌تواند نگاه کند عدم وجوب ستر مستلزم جواز نظر طرف مقابل نیست اگر از آیه ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ استفاده شد که وجه و کفین را زن واجب نیست ببوشاند معنایش این نیست که پس مرد می‌تواند نگاه کند هیچ تلازمی هم بین آنها نیست (اولاً) و اطلاق ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ که حذف متعلّق از آن منشأ اطلاق است (ثانیاً) دلیل بر منع است.

۱۲. سوره توبه، آیه ۷۱.

۱۳. سوره احزاب، آیه ۳۹.

۱۴. سوره بقره، آیه ۱۲۹.

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ برخیا مثل مرحوم آقای خویی خواستند بگویند که ﴿مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ خود زینت است به دلیل اینکه در پایان فرمود: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ این زنها موقع راه رفتن آرام راه بروند پایشان را محکم به زمین نزنند که آن خلخال پایشان صدا بکند و معلوم بشود که در پایشان خلخال است پس معلوم می شود که معیار زینت است^۱ راه رفتن که ممنوع نیست محکم راه رفتن هم که ممنوع نیست دلیل منع از محکم راه رفتن این است که آن خلخال صدا می کند نامحرم می شنود نه می بیند پس معلوم می شود زینت، معیار است. خب حالا شما چرا رفتید از آخر آیه دارید قرینه می آورید در کنار همین که فرمود: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ که به صورت شفاف موضع زینت را مطرح کرده است این را قرینه بگیرید، این را قرینه بگیرید که منظور از ﴿زِينَتُهُنَّ﴾ موضع زینت است برای اینکه این می گوید مقنعه را باید به سر بگذارد (يك) آن قدر وسیع باشد که جید و گردن را بپوشاند (دو) آن قدر وسیع باشد که جیب و گریبان را هم بپوشاند (سه).

«و الحمد لله رب العالمين»